

بقلم: جهانگیر قائم مقامی

## عزل و تبعید میرزا آقاخان اعتمادالدوله نوری

### صدر اعظم دوم ناصرالدین شاه

موضوع عزل و تبعید و چگونگی آخرین سالهای زندگی میرزا آقاخان اعتمادالدوله نوری صدر اعظم دوم دربار ناصرالدین شاه یکی از صدها موضوع مبهم و تاریک تاریخ قاجاریه است که مورخان محافظه کار عصر قاجاریه آنرا مسکوت گذاشته اند.

از تواریخ معاصر میرزا آقاخان که مطالبی درباره او در آنها ضبط است دو کتاب ناسخ التواریخ و روضه الصفای ناصری است که هر دو از مراجع تاریخ قاجاریه هستند اما بسالهای قبل از عزل او ختم میشوند (۱) بنابراین راجع بعزل و چگونگی ایام معزولی او مطلبی ندارند.

در تألیفات تاریخی مرحوم محمد حسنخان صنیع الدوله (۲) و منتخب التواریخ مظفری تألیف حاجی میرزا ابراهیم خان شببانی بسبب ملاحظه کارهای مؤلفان آنها باز موضوع مورد بحث ما با مسکوت بر گذار شده است فقط یک جلد تاریخ مختصر ولی بسیار نفیس و معتبر موسوم بحقایق الاخبار ناصری تألیف میرزا جعفرخان حقایق نگار خرموجی موجود است که در باره سنوات آخر عمر و ایام عزل و تبعید میرزا آقاخان مطالب و حقایق چند دارد لیکن آن نیز با آنکه بشرح و قایم سال ۱۲۸۰ قمری ختم میشود آخرین مطلبی که راجع بمیرزا آقاخان نوشته مربوط باواسط سال ۱۲۷۹ قمری است، بنابراین از سوانح دو سال آخر عمر میرزا آقاخان (متوفی بسال ۱۲۸۱ قمری) در هیچ یک از کتب تاریخی معاصر و همچنین مؤلفات بعد از او که بالفعل در دسترس عموم میباشد ذکری نیست.

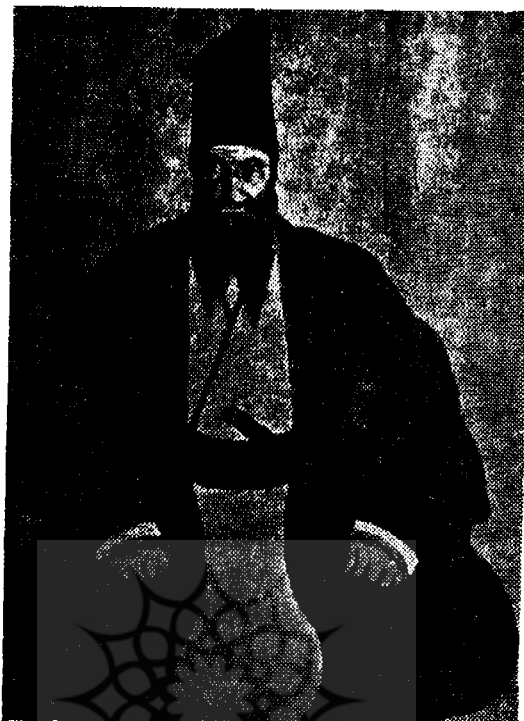
از کتب تاریخی خطی مربوط باین ایام هم مانند صدر التواریخ (۳) و تاریخ قاجاریه تألیف میرزا احمد وقایع نگار چون کمیاب و یا منحصراً بفرد هستند نشانی بدست نیست و تاجائی که نگارنده اطلاع دارد ترجمه حال مستقلی نیز از او جز کتابی که برادر وی میرزا فضل الله وزیر نظام در باره او و خانواده خود نگاشته (۴) در خصوص میرزا آقاخان نوشته نشده و از شرح حال مفصلی هم که لسان الملك سپهر مؤلف ناسخ التواریخ در تاریخ خود بکتاب جداگانه ای حواله داده (۵) با همه تفحصی که شد نشانی بدست نیامد و معلوم نیست آیا واقعا این کتاب تدوین و تألیف شده است و یا آنکه بسبب مرگ مؤلف فکر تألیف آن جامه عمل نبوده است ولی بهر حال نگارنده گمان میبرد از این دو کتاب اخیر هم بفرض که در دسترس میبود استفاده ای نمیشد چه در تألیف کتاب اول که مؤلف آن برادر میرزا آقاخان است بی تردید جز اعتلای نام میرزا آقاخان و بزرگ کردن خاندان او نظری نداشته و کاری نکرده است و مندرجات کتاب دوم نیز از همان قماش باید باشد که در ناسخ التواریخ

(۱) ناسخ التواریخ بشرح وقایع سال ۱۲۷۲ قمری و روضه الصفای ناصری بسوانح ۱۲۷۴ تمام میشود.

(۲) تألیفات تاریخی صنیع الدوله مربوط بدوره قاجاریه عبارتند از منتظم ناصری، مرآة البلدان، والمآثر والآثار.

(۳) صدر التواریخ تألیف غلامحسین خان ادیب. (۴) نسخه اصلی این کتاب در کتابخانه دانشمند فقید مرحوم دکتر غنی است و استاد معظم حضرت آقای اقبال آشتیانی نسخه ای از روی آن برای خود نویسانده اند. (۵) ص ۶۰۶ مجلد یازدهم ناسخ التواریخ.

در باره او ضبط گردیده و اما آنچه در باره سالهای قبل از عزل او در سلسله کتابها بنظر میرسد غالباً آمیخته با مبالغه‌های منشیانه تملق آمیز است که حقایق را در پرده ابهام باقی میگذارد.



میرزا آقاخان نوری صدراعظم

بدین ترتیب تاریخ زندگانی این مرد که مدت سی و سه سال در دربارهای سه تن از پادشاهان قاجار شاغل مناصب بزرگ و مؤثر بوده و غالباً بانفوذ و تدابیر خود مدار بسیاری از امور را بنفع خود و یا بمصلحت دیگران تغییر داده است آنطور که باید روشن و معلوم نیست (۱) و از کتب تاریخی زمان او طرفی نمیتوان بست بخصوص در مورد ایام معزولی و تبعید او که از آن هیچ ذکر نشده است.

امامدار کی که اساس منظم مقاله حاضر است نیست و چند نامه خصوصیت که غالباً بخط و انشاء میرزا آقاخان و نظام‌الملک پسر او و حاجی علیخان اعتماد السلطنه میباشد و عموماً در ایام معزولی او نوشته شده و اصل این مکاتیب متعلق بحضرت آقای خانباا نوری دامت افاضاته العالیست که باسعه صدر و سخای طبع در اختیار نگارنده گذاشته و نگارنده را از این لحاظ بسی مرهون خود فرموده‌اند و بدین جهت

(۱) در مورد تاریخ زندگانی میرزا آقاخان مربوط بقبل از معزول شدنش مقدمه فاضلانهای که استاد معظم آقای اقبال آشتیانی بر کتاب «شرح حال عباس میرزا ملک آرا» (چاپ طهران باهتمام دوست ارجمند آقای عبدالعسین نوائی) نوشته‌اند، و کتاب نفیس «امیر کبیر و ایران» تألیف آقای فریدون آدمیت، و «تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس» تألیف آقای محمود محمود که غالب مآخذ و مدارک آنها اسناد مضبوط در وزارت امور خارجه میباشد از مراجع و مآخذ مهم است.

برخود واجب میدانم صمیمانه از این لطف بی شائبه ایشان که خود خدمتی بزرگ بتاریخ گذشته ایران است سیاستگزاری و تشکر نمایم و بی مناسبت نیست پیش از بیان موضوع شرح حالی مختصر از میرزا آقاخان از ابتدای ورود بخدمتش تا عزل او مقدمه ذکر شود :



میرزا آقاخان نوری که اسم اصلیش میرزا نصرالله خان بوده فرزند میرزا اسدالله خان نوریست که او هنگام اردو کشی آقا محمد خان قاجار بازندران در راه پیشرفت آقا محمد خان خدمات بسیار نمود و بهمین سبب آقا محمد خان او را بخدمت خود وارد ساخت و مقام وزارت لشکر خود را بوی سپرد و پس از آقا محمد خان در دربار فتحعلیشاه نیز بهمان شغل باقی بود تا در سال ۱۲۴۲ بسبب ضعف و پیری بحکومت نورمنصب گردید و از کار وزارت لشکر کناره گیری نمود .

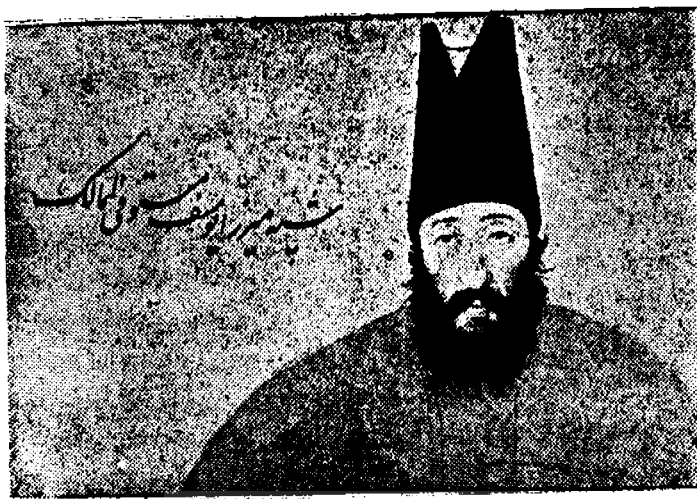
میرزا آقاخان پسر ارشد او از سال ۱۲۴۲ با سمت لشکر نویسی وارد خدمت دربار فتحعلیشاه شد (۱) در این موقع پیش از بیست سال نداشت و او که جوانی با فراست و چرب زبان و موقع شناس بود توانست رفته رفته در دربار فتحعلیشاه و پس از او در دربار جانشین وی محمد شاه مقام و جایگاهی برای خود باز کند و تانمنصب وزارت لشکری ارتقاء یابد هر چند این شغل در آن ایام چندان بزرگ نمی بود لیکن میرزا آقاخان روز بروز بتشکیلات آن بسط و توسعه میداد تا جائی که تشکیلاتی فراخور این نام برای آن فراهم ساخت . این اقدامات او که توأم با تحریکات و دسیسه کاریهای هم می بود حاجی میرزا آقاسی را بهراس انداخت و او که در مزاج شاه نفوذ بسیار داشت میرزا آقاخان را بکاشان تبعید نمود و او تا پایان سلطنت محمدشاه و روی کار بودن حاجی میرزا آقاسی در آنجا بسر میبرد . چون محمدشاه در گذشت میرزا آقاخان بدستگیری مهدعلیا مادر ناصرالدین میرزا ولیعهد باداعیه صدارت عظمی بطهران آمد و چون میرزا تقی خان امیر کبیر بمقام صدارت رسید او ناگزیر باز همان منصب وزارت لشکر را توأم بالقب اعتمادالدوله یافت .

مدت صدارت امیر کبیر چندان بطول نینجامید و بعد از چهار سال در روز یکشنبه ۲۲ محرم الحرام سال ۱۲۶۸ قمری معزول و بکاشان تبعید شد و میرزا آقاخان با هزاران دسایس و نیرنگ و زدوبندهای سیاسی بجای او برمسند صدارت ایران نشست ولی با آنکه مهمترین مشاغل دولتی ایران را بدست آورده بود معهدا وزارت لشکر را نیز بخود اختصاص داد و هر چند ضررها و ناملائمات بسیار هم میدید (۲) باز آنرا از دست نمیداد و همین اصرار او در حفظ وزارت لشکر خود یکی از موجبات بددلی شاه نسبت باو و عاقبت سبب سقوط وی گردید . مؤلف حقایق الاخبار می نویسد :

بعد از قتل امیر کبیر چند تن از امنای معتبر و معظم دولت برای اشغال منصب صدارت مورد نظر بودند ولی بالاخره شاه میرزا آقاخان را بصدارت انتخاب نمود (۳) و از آن پس « هر روز بظهور عنایتی تازه و بروز عاطفتی بی اندازه از حضرت جم مرتبت مخصوص می آمد و در کمال قدرت و نفاذ حکومت صدارت ترقی زیادت مییافت و بلقیی خاص چون شخص اول و نوگین اعظم و جناب اشرف امجد افخم مخصوص میگردد و بیرون از اسم سلطنت آنچه از لوازم کار پادشاهی و نفاذ

(۱) ناسخ التواریخ ص ۲۱۶ . (۲) میرزا آقاخان در اواسط دوره صدارتش که بالاخره مجبور بواگذاری وزارت لشکر شده بود در یک نامه خصوصی خود می نویسد : « صلاح خودم را نمی دانم اسم یک نوکر و یک لشکر نویس را بزبان بیاورم . دست کشیدم از وزارت لشکر . اسم بیرم تمامم » . (۳) برای اطلاع از چگونگی دسایسی که بمنظور روی کار آمدن میرزا آقاخان بکار رفته بکتاب دکتر آدمیت جلد سوم از ص ۶۷۷ بعد رجوع شود .

اوامر و نواهی بود بوی تفویض فرمود « (۱) ولی میرزا آقاخان » چون در رعایت خویش و تبار بی اختیار بود کافه منسوبان و متعلقان تا همسایگان ایشان بل اکثر اهالی نورو کجور را حتی المقدور حاکم بلاد گردانید و مالک الرقاب عباد (۲) .



کار این خویش نوازی و همسایه داری بجائی کشید که اوضاع مملکت دچار بی نظمی ها و هرج و مرجها و همچنین ناراضماندی مردم شد بعلاوه که در طی مدت صدارت او افغانستان هم از قلمرو دولت ایران منتزع گردید و نفوذ بیگانگان در ایران روز بروز فزونی یافت (۳) و چون برای حفظ منافع شخصی و مصالح بستگان و آشنایان خود بسیاری از اشخاص و درباریان را از دربار رانده بود رفته رفته در برانداختن او تحریکاتی بعمل آمد تا جائیکه شاهرا نسبت بوی بدبین و بددل ساختند و بالاخره بمقاد گفته قائم مقام که «خون پروانه شمع را تا صبح امان نمیدهد» بر اثر یک سلسله عوامل و تحریکات و دسایسی که در برانداختن امیر کبیر بکار رفته بود و میرزا آقاخان خود نیز در آنها دست و دخالتی میداشت (۴) در روز دوشنبه هشتم محرم الحرام سال ۱۲۷۵ یعنی درست بعد از هفت سال از صدارت معزول گردید .  
(ناتمام)

(۱) رجوع شود به حقایق الاخبار ناصری در شرح وقایع سال ۱۲۷۵ قمری .  
(۲) میرزا آقاخان خود در یک نامه خصوصی که بیسر عم خود میرزا محمد مهدی پسر محمدز کیخان سردار نوری در ایام صدارت خویش نوشته است تأییدی در اینخصوص دارد . در آن نامه نوشته است : « آنچه رنگ زردی در باب مواجب های اقوام برادرزاده و پسر عموهای فارس در وقت نوشتن کتابچه دستور العمل کشیدم باشد . البته شنیده اید این دفعه هم در حضور نواب والا نصره الدوله در وقت خواندن محاسبه بشیرالملک امیر کبیر گفت و بمیرزا فتح الله ماگفت میسران بکن به بینم مواجب پسرهای زکی خان و شکرالله خان در فارس چه میگیرند » . (۳) درخصوص انتزاع افغانستان که در زمان صدارت میرزا آقاخان صورت گرفت بکتاب تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس جلد دوم از ص ۴۷۹ بیعد رجوع شود . (۴) رجوع شود بکتاب «ایران و امیر کبیر» جلد ۳ از ص ۶۷۸ بیعد .